



نگاهی به نخستین ترجمه‌های قرآن به فرانسه

یاسین خوشحال *

الفکر فصلنامه
شماره ۱۵ / تابستان ۸۲

۴۰

چکیده: قرآن مجید از سال ۱۶۴۷م. که نخستین چاپ ترجمه دوری به منتشر شد، تا سال ۱۹۹۹م. بیست و چهار بار به زبان فرانسه در آمده است. مقاله حاضر ضمن نقد و بررسی نخستین ترجمه‌های قرآن کریم، نگاهی اجمالی به روند ترجمه قرآن به فرانسه در طول مدت چهار قرن انداخته و سپس راهکار مناسب برای ارائه یک ترجمه خوب از قرآن را پیشنهاد کرده است.

* مدیر داخلی فصلنامه الفکر، مشهد

مقدمه:

جمع آوری و تنظیم یادداشت‌های پراکنده چند فصل از درس تاریخچه ترجمه به فرانسه که توسط نویسنده در سالهای اخیر در دانشگاهها ارائه می‌شود، خمیرمایه اصلی مقاله حاضر است که به درخواست سردبیر محترم با توجه به موضوع شماره حاضر، برای این شماره تنظیم شده است. امید است مورد توجه و استفاده خوانندگان محترم نشریه اندیشه صادق قرار گیرد.

ترجمه کتاب‌ها و مقاله‌ها یکی از ابزارهای مفید برای بالابردن سطح یک زبان در زمینه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، و غیره است. امروزه ترجمه در میان جوامع مختلف بسه منظور رفع نیاز و ایجاد یک ضرورت است و کسی آن را انکار نمی‌کند، زیرا عامل پیشرفت ملت‌ها شده و قوه تفکر و تحلیل را بازتر و پهنه فرهنگ و زبان را گسترده‌تر می‌کند.

ترجمه در پاسخ به نیاز فرهنگ و زبان خودی است که طی قرون متملای صاحبان یک فرهنگ، تشنه مطالب و موضوعات دیگر فرهنگ‌ها و زبان‌ها بوده‌اند. بدین لحاظ ترجمه از باسابقه‌ترین عوامل ارتباطی میان انسان‌ها بوده که با ایما و اشاره بسه منظور تفهیم ناهم‌زمان شروع و امروز متحول و به صورت کنونی درآمده است.

ترجمه پلی ارتباطی دو فرهنگ و دو زبان مختلف و متفاوت است. این پل را نباید به این دلیل که شاید دشمنی از آن عبور کند، ویران کرد بلکه نباید آن را استحکام بخشید. تأثیر ترجمه خوب به اندازه تألیف و نگارش خوب است. ترجمه خوب نفسش مهمی در تحسول و تطور فرهنگ انسان‌ها ایفا می‌کند مخصوصاً ترجمه متون مذهبی و مقدس از علاوه بر شرایط عام ترجمه، ویژگی‌های مهم دیگری را مترجم خود طلب می‌کند.

ترجمه و مترجم

ترجمه، عبارت است از برگرداندن معنی از زبانی به زبان دیگر با رعایت مفهوم و محتوای آن متن. ترجمه، باید منعکس‌کننده مفهوم و محتوای زبان مبدأ با رعایت آرایشی‌های لفظی و خالی از هر گونه حشو و زوائد، در زبان مقصد باشد. بنابراین برای برگرداندن معنی به زبان دیگر، دو عنصر، لازم و ضروری است. نخست عنصر ادب و دوم مایه هنر. با عنصر ادب مفهوم و محتوای زبان مبدأ به زبان مقصد وارد می‌شود و با مایه هنر قالب زبان مقصد برای گنجاندن محتوای زبان مبدأ در آن اندازه گیری می‌شود و سپس به کمک آرایشی‌های لفظی، ترجمه متناسب بنا متن صورت می‌گیرد. انجامست که مترجم باید هنرمندانه قالب ترجمه‌اش را همگون و همانند

قالب متن و بسه اندازه آن

در آورد و از افزودن

هر آنچه که زائد بر

قالب متن است

بهریزد و توضیح و

تفسیر را با متن در

بیاویزد که در این

صورت از مرز قانون

ترجمه بیرون می‌رود.

زیرا ترجمه و تفسیر و

توضیح هر کدام سر و ویژه

خود را دارند. مثلاً مطالبی

که یک عرب آشنایه فنون

ادب از یک آیه قرآن بدون

تفسیر آن می‌فهمد درست به

اندازه یک فارسی زبان آشنایه

فنون ادب فارسی است که از

ترجمه همان آیه بدون تفسیر آن

خواهد فهمید. بنابراین اگر تفسیر و توضیحی برای متن

لازم و ضروری شود، همان تفسیر و توضیح هم برای

ترجمه همان متن صادق است. پس نباید ترجمه یک متن

با تفسیر و توضیح آن مخلوط شود که در این صورت،

چنین ترجمه‌ای هیچ گونه ساختار هنری نخواهد داشت

هنر مترجم این است که تمام ساختار متن را بسی هیچ

توضیحی در ترجمه‌اش گنجانند به طوری که حجم

ترجمه بسی از حجم متن اصلی نباشد. البته عناصری

مانند توانایی متفاوت زبان‌ها در انتقال مفاهیم و

زیبایی‌های ادبی و همچنین تفاوت فرهنگ‌ها، برای



مترجمی که بسیار توانمند و کامل و از هر نظر همسان و برابر با مولف است، می‌توانند مشکل آفرین باشند حال چه رسد به ترجمه کلام خالق که خالق دیگر در زبان مقصد لازم است.

آیا ترجمه قرآن کریم جایز است؟

از همان آغاز، که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب واقع گردید، بحث ترجمه قرآن کریم مطرح شد. و این بحث بین عالمان و دانشمندان اسلامی مخالفان و طرفدارانی پیدا کرد. گروهی از عالمان دینی مخالف ترجمه قرآن و گروهی دیگر نیز موافق بودند. بعضی حکم به تحریم ترجمه قرآن کریم دادند و آن را نوعی فتنه‌انگیزی در دین دانسته‌اند. در مقابل، گروهی دیگر از عالمان ترجمه قرآن را جایز دانستند و نیاز شدید مسلمانان غیر عرب یکی از مهمترین عوامل رواج قرآن شد. ولیکن دلایل مخالفین ترجمه قرآن را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱- قرآن اثری شامل نظم و معناست که وقتی ترجمه شود، نظم و بخشی از مفاهیم بی‌کران آن از بین خواهد رفت.

۲- زبان قرآن، رمز وحدت مسلمین است. و ترجمه آن برای وحدت مبین اسلامی زبان بخش است.

۳- قرآن، دارای جهاتی مانند اعجاز، استنباط، صرب‌المثلها و غیره است که غیر قابل ترجمه هستند.

۴- ترجمه قرآن در واقع، فهم مترجم از قرآن است نه تمام معنی قرآن. لذا قرآن نیست.

اما دلایل موافقین ترجمه قرآن چنین است:

۱- ترجمه سوره حمد توسط مسلمان برای ایرانیان و ترجمه سوره مریم برای پادشاه حبشه و ترجمه نامه‌های پیامبر که حیای آیات قرآن در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انجام پذیرفت و عدم مخالفت آن حضرت بنا هیچ کدام از آنها.

۲- فتوای ابوحنیفه، امام حنفیان و بسیاری از علماء و فقها، همچنین حضرت آیت الله بزرگوار و آیت الله خوئی بر مجاز بودن ترجمه قرآن.

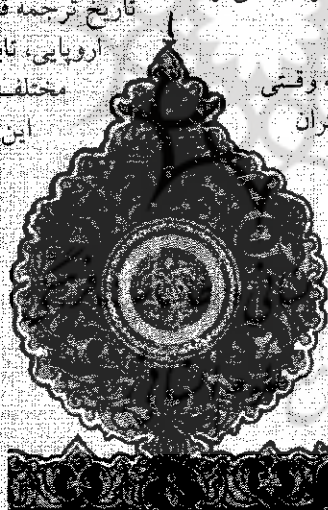
۳- دعوت اسلام، مخصوص عربها نبوده، بلکه اسلام دین جهانی است و نباید آن را بنا ترجمه برای جهانیان تبلیغ کرد چرا که چاپ و نشر قرآن عربی برای ملتی که کلمه عربی نمی‌دانند چه فایده‌ای دارد.

۴- در برابر آن همه ترجمه‌های مغلوط و مغرضانه‌ای که برای قرآن توسط یهود و نصاری و غیره شده است، باید ترجمه‌هایی صحیح و مورد اعتماد ارائه شود همچنانکه ترجمه غیر مغرضانه و نه چندان عالی آندر دوری به چنان تأثیری بر نویسنده نامدار فرانسوی، ولتر گذاشت که او بجای دشمنی با مسلمانان شیفته اسلام شد.

تاریخ ترجمه قرآن در غرب

تاریخ ترجمه قرآن در فرانسه، مانند دیگر کشورهای اروپایی، تابع تحولات اجتماعی و نیز مراحل مختلف پیدایش و گسترش شرق شناسی در این کشورها بوده است از این رو می‌توان آن را به سه دوره متمایز تقسیم کرد.

نخستین آنها به اواسط قرن هفدهم باز می‌گردد و در حدود یک قرن به درازا می‌کشند. در این دوره عامه مردم تحت تأثیر تبلیغات مغرضانه کشیشان، قرآن را مجموعه‌ای از روایات و داستانهای کودکانه می‌دانستند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مردی مضروب می‌پنداشتند که در آغاز، کار دنیای اهل روم بود ولی چون کار دنیاهای دیگر او را به مقام پایی بر نگزیده بودند از مسیحیت روی می‌گرداند و دینی بسدعت امیز بدید می‌آورد. این طرز تفکر تا اواسط قرن هیجدهم ادامه داشت، سپس نسبت به موازات پیشرفت فرانسویان در شناخت بهتر اسلام کم کم تحول یافت و بنسبه ترجمه‌ای نوین از قرآن انجامید. دوره دوم از هنگامی آغاز می‌شود که از یک سیرت و آمد میان شرق و غرب با



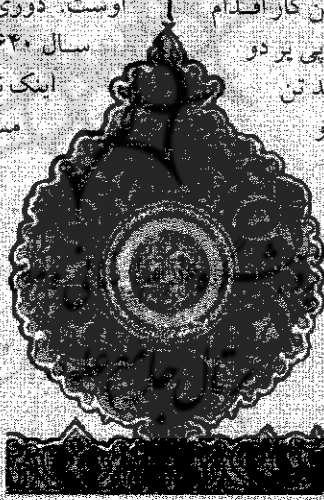
در برابر آن همه ترجمه‌های مغلوط و مغرضانه‌ای که برای قرآن توسط یهود و نصاری و غیره شده است باید ترجمه‌هایی صحیح و مورد اعتماد ارائه شود همچنانکه ترجمه غیر مغرضانه و نه چندان عالی آندر دوری به چنان تأثیری بر نویسنده نامدار فرانسوی، ولتر گذاشت که او بجای دشمنی با مسلمانان شیفته اسلام شد.

سهولت بیشتری انجام می‌پذیرد و تماس‌ها آسان‌تر می‌گردد، و از سوی دیگر فرانسویان مراکز بسیاری تدریس زبانهای اسلامی و ترجمه متون مختلف ادبی و فلسفی و مذهبی مسلمانان دایر می‌کنند و از این رهگذر، ترجمه قرآن نیز از دقت بیشتری برخوردار می‌شود. دوره سوم با طلوع قرن بیستم آغاز می‌شود و سرخی از مسلمانان دوشادوش خاورشامیان، خود به ترجمه قرآن همت می‌گمارند و در شناساندن قرآن به فرانسویان، نقشی فعال بر عهده می‌گیرند. ما در اینجا ترجمه‌هایی را که در این سینه دوره انجام شده معرفی خواهیم کرد و بعضی از آنها را نقد می‌کنیم. نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسه متعلق به دورانی بود که بیشتر افسانه‌های ضد اسلامی در میان مسیحیان رایج بود و از ترجمه لاتینی قرآن سرچشمه می‌گرفت و این ترجمه‌ها به دلیل اینکه توسط کشیشانی که مأمور به رد آنچه که ترجمه می‌کنند، بودند ترجمه می‌شد، چندان با متن قرآن منطبق نبود. پی‌یر دو کلونی، سرپرست صومعه‌ای در شرق فرانسه جزو نخستین کسانی بود که به این کار اقدام کرد. وی در سال ۱۱۴۱م، شخصی به نام "پی‌یر دو تولد" را به کار ترجمه قرآن گماشت و چند تن از کشیشان مقیم اسپانیا از جمله "روبر دو کتون" را به خدمت گرفت تا ترجمه "پی‌یر دو تولد" را به زبان لاتینی فصیح بازنویسی کنند و آنان نیز، ضمن لغاطی و عبارت‌پردازی بسیار، چنین کردند. نخستین ترجمه قرآن به زبان لاتینی بدین گونه انجام شد. نگاه "پی‌یر دو کلونی"، که به یاری متن لاتینی بر سر محتوای قرآن دست یافته بود، خود مقدمه‌ای بر آن نوشت و بنا وجود تکذیب برخی از افسانه‌های کورکانه‌ای که متعصبان مسیحی از دیرباز دربارہ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان رواج داده بودند، اما در رد قرآن کوشید ولی چون خود عربی نمی‌دانست دچار لغزشهای بسیار شد. تا این تاریخ، تنها کشیشان و مبلغان مذهبی بودند که به ترجمه قرآن آن هم از روی متن لاتینی می‌پرداختند و تبعاً اهدافی که در این کار داشتند آنان را از رعایت امانت، باز می‌داشت.

مدتی نزدیک به چهار قرن ترجمه "کتون" و "تولد" تنها مأخذ فرانسویان درباره قرآن بود. این ترجمه در سال ۱۵۴۷م توسط "آندره آریوانته" به زبان ایتالیایی و در سال ۱۶۱۶م توسط "شوتیگر" به زبان آلمانی و در سال ۱۶۴۱م به زبان هلندی ترجمه شد.

نخستین ترجمه قرآن مجید به فرانسه:

در سال ۱۶۴۷م "آندر دوری" به قرآن را مستقیماً از روی متن عربی به زبان فرانسه در آورد. فرانسویان را پیش از پیش با اصول عقاید مسلمانان آشنا کرد وی در سال ۱۵۸۰م در شهر "مارسینی" واقع در شرق فرانسه به دنیا آمده بود. تحصیلات مقدماتی را در کشور خود به پایان رساند و سپس عازم ترکیه عثمانی شد در آن جا زبانهای ترکی، عربی و فارسی را آموخت. آن گاه به عنوان کنسول فرانسه عازم مصر شد. نخستین ترجمه فرانسوی گلستان سعدی که در سال ۱۶۳۴م انتشار یافت نیز از اوست. دوری به با چنین سابقه و بضاعتی در حدود سال ۱۶۴۰م به ترجمه قرآن همت گماشت و اینک نخستین بار بود که کتاب دینی مسلمانان مستقیماً از روی متن عربی به یکی از زبانهای زنده اروپایی که همه مردم بدان سخن می‌گفتند و نه تنها به زبان مرده لاتینی که فقط کشیشان آن را می‌دانستند، ترجمه می‌شد. مترجم آن هم برخلاف آنچه تا آن تاریخ متداول بود، مردی اهل سیاست نبود. کشیشی متعصب. از این رو مورد استقبال بسیار قرار گرفت و در سال ۱۶۴۹م یعنی دو سال پس از انتشار، تجدید چاپ شد و در همان سال به زبان انگلیسی سپس به زبانهای هلندی، آلمانی و روسی در آمد. و از تاریخ انتشار تا سال ۱۷۸۵م بیست و چهار مرتبه به چاپ رسید و چنین موفقیتی تا آن دوره برای یک کتاب مذهبی متعلق به غیر مسیحیان سابقه نداشت. بسا این همه دوری به نوانست و نمی‌توانست خود را به کلی از قید اوهام پیشین برهاند. از این رو، در مقدمه کوتاهی که بر سر



که مترجم باید هنرمندانه قالب ترجمه‌اش را همگون و همانند قالب متن و به اندازه آن در آورد و از افزودن هر آنچه که زائد بر قالب متن است بپرهیزد و توضیح و تفسیر را با متن در نیامیزد که در این صورت از مرز قانون ترجمه بیرون می‌رود.

ترجمه خود افزوده، پیامبر اسلام را تکذیب و مسلمانان را تحقیر کرده است. اما نباید توجه داشت نیمه اول قرن هفدهم دوره اوج گیری احساسات مذهبی کاتولیک‌ها بود. بازار زمان تفتیش عقاید مذهب مسلمانان و یهودیان را به اتهام کفر، و گاه همکیشان خود را به اتهام الحاد در تلهای آتش می‌سوزاندند و خاکسترشان را بر باد می‌دادند. "لذا اگر دوری به هم نمی‌خواستست بسه تعصبات مذهبی دامن زنده، ناگزیر بود به محافظه کاری‌هایی تن دهد و شاید مقصدمه کوتاه یک و نیم صفحه‌ای او نیز بهانه‌ای برای گرفتن اجازه چاپ و نشر اثرش می‌بود. چرا که او پس از مقدمه بلافاصله به شرح عقاید مذهبی مسلمانان می‌پردازد و در این کار به هیچ روی از گفتن حقیقت دریغ نمی‌ورزد. "دوری به" ترجمه قرآن را از سوره فاتحه آغاز می‌کند و بنا سوره ناس به پایان می‌رساند و این کاری بزرگ و بی‌سابقه بود و مترجم نمونه‌ای پیش رو نداشت تا از آن بهره‌مند شود. امروزه پس از گذشت نزدیک به چهارصد سال و بنا

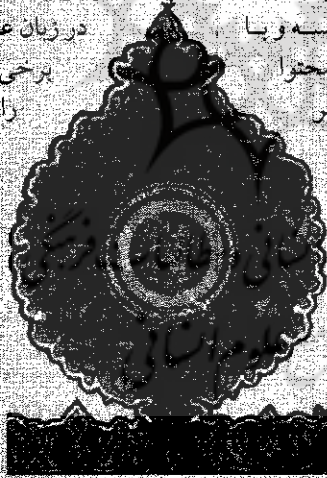
وجود نیست و هشت ترجمه کامل و بیش از دویست ترجمه جزئی و ناتمام از قرآن به زبان فرانسه و بنا آن همه بزوختن‌هایی که درباره بلاغت و محتوا و الفاظ قرآن انجام شده، ترجمه آن به هر

زبانی که باشد از جمله به زبان فرانسه کاری است پس دشوار و شاید ناممکن. هرگاه جو حاکم بر جامعه فرانسه و روحیه مذهبی مردم آن دوره و تهدید و فشار کشیشان فرانسوی جهت به انحصار در آوردن مسائل مذهبی و معانعت از آگاهی مردم در مورد اصول ادیان دیگر، را در نظر بگیریم آن گاه به اهمیت کاری که "دوری به" بسرای نخستین بار انجام داده است بیشتر پی خواهیم برد.

با این همه، ترجمه "دوری به" نیز مانند هر کار دیگری که برای نخستین بار انجام می‌شود، دارای ضعف‌هایی است که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد: فنی و محتوایی. از لحاظ فنی کتاب فاقد فهرست و شماره‌گذاری و ترتیب آیات است و هر یک از سوره‌ها داستان‌وار و همچون حکایتی ترجمه

شده است، به گونه‌ای که بساز یافتن آیه‌ای معین در مجموع ۶۴۸ صفحه کتاب حوصله و دقت بسیاری می‌خواهد. از سوی دیگر نام‌هایی که "دوری به" برای سوره‌ها برگزیده، یا همه کوششی که در مراجعه به تفاسیر علمای اسلامی انجام داده، با نامناسب است یا مهجور مثلا سوره "معاون" را به سوره laloy یعنی دین و قسانون شرح در متون کهن و سسوره "همزه" را Persecution یعنی شکنجه ترجمه کرده است. همین

گونه است در مورد سوره‌های "کوثر"، "والعادیات"، "تکوتر"، "والضحی"، "نصر" و بسیاری از سوره‌های دیگر که به ترتیب آنها را Affluence, Les chevaux, Abondance, Soleil leve و Protection نامیده است که با اکثر ترجمه‌های دقیق تر معاصر یکسان نیست البته برخی از این ناهماهنگی‌ها را می‌توان به اختلاف واژگان متداول در قرن ۱۶ با واژگان زبان فرانسه معاصر متوسط دانست ولی برخی دیگر بدون تردید از اشتباه "دوری به" از معادل‌یابی برخوردار است. نکته دیگر در ترجمه "دوری به" عدم توجه او به وجود و زمان‌های العال در زبان عربی است، و این مشکلی است که حتی برخی از مترجمان معاصر نیز نتوانستند خود را از قید آن برهانند. زیرا برایشان دشوار بوده که بیست و یک زمان مختلف زبان فرانسه را در معدودی زمان متداول در زبان عربی بگنجانند و مترجم در برگرداندن افعال در می‌ماند و تنها ظاهر لفظی آنها را در نظر می‌گیرد. به عنوان مثال آیه (تست یدا) ایسسی لهب و تنب) را اینگونه معنی می‌کند: "ابولهب دستهای خود را از دست داده و خداوند او را به کفر رسانده است." "دوری به" توجه نداشته است که فعل یتب در نخستین آیه سوره، هر چند بصورت ماضی ساده آمده ولی در مقام تفرین بسکار رفته است و این اشتباه او، خود موجب اشتباهات دیگر شده است که مفاد آیه بسیار که فوق چنین است: (بریده باد دستهای ابولهب) و مرگ بر او (یادا) البته در برابر این نقاط ضعف، نقاط قوتی نیز هست. کمتر پیش می‌آید که "دوری به" در بساز گرداندن



نخستین ترجمه قرآن به زبان فرانسه متعلق به دورانی بود که بیشتر افسانه‌های ضد اسلامی در میان مسیحیان رایج بود و از ترجمه لاتینی قرآن سرچشمه می‌گرفت و این ترجمه‌ها بدلیل اینکه توسط کشیشانی که مأمور به رد آنچه که ترجمه می‌کنند بودند ترجمه می‌شد، چندان با متن قرآن منطبق نبود.

آیات شریفه دست خوش توجیحات و تفسیرهای متداول در میان کشیشان آن دوره شده باشد. بدینگونه ترجمه "دوری" به "اگر چه ضعف فراوان داشت و گاه تحت تأثیر پیش داوریهای آن دوره قرار می گرفت اما در شناساندن متن اصلی قرآن به معاصران خود بسیار مؤثر بود و تا سال ۱۷۳۴م، پیش از انتشار ترجمه انگلیسی جرج سبیل یکی از مآخذ معتبر و مستند اروپایی درباره اسلام و مسلمانان به شمار می رفت.

دومین ترجمه قرآن کریم به فرانسه

پس از ونسانس، گشوده شدن راههای دریایی و عزیمت گروهی از جهانگردان به کشورهای دور دست، نیاز به دانستن را در قشر روشنفکر فرانسه زنده کرد و آموخته ها و تعالیم گذشته را به چاه تردید انداخت. به زودی عصر روشنگری فرارسید و گروهی از نویسندگان و پیروان مکتب عقل گرایی دکارت به کارش در تاریخ اسلام پرداختند و دریافتند که آنچه مسلمانان مسیحی در باره مسلمانان گفته و رواج داده بودند،

دروغی بیش نبوده است، این دسته از نویسندگان به گونه ای توحید، که آن را "دین فطری" می نامیدند، معتقد بودند. پیشرو آنان ولتر بود که، نخست، تحت تأثیر آموخته های دوران کودکی و تبلیغات مغرضانه کشیشان، با مسلمانان از در دشمنی درآمده بود، سپس به تاریخ اسلام روی آورد. آن گاه دریافت که کشیشان مردم را گول می زدند و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگز مضرع نبود و کتابش را نیز نمی توان افسانه نامید و یا مجموعه ای از داستانهای کزدکانه دانست.

در چنین فضایی بود که دومین ترجمه قرآن به زبان فرانسه، توسط "ساواری" در دو جلد منتشر شد. "کلود اتی بن ساواری" در دوم اکتبر ۱۷۴۹م در شهر ویتره، (Vitre) واقع در شمال غربی فرانسه، به دنیا آمد. تحصیلات اولیه را در زادگاه خود به پایان برد. در فراگیری زبان خارجی استعداد فراوان داشت. در سال ۱۷۷۶ به مصر سفر کرد و این سفر

تا سال ۱۷۸۱م به طول انجامید. در آن جا بود که، بتاسیر آنچه خود می گوید، به ترجمه قرآن زیر نظر مسلمانان پرداخت. ترجمه او در سال ۱۷۸۳م منتشر شد و خود وی نیز پنج سال بعد، چهارم فوریه ۱۷۸۸م در گذشت. ساواری به غیر از قرآن آثار دیگری را نیز به شرح ذیل ترجمه کرد:

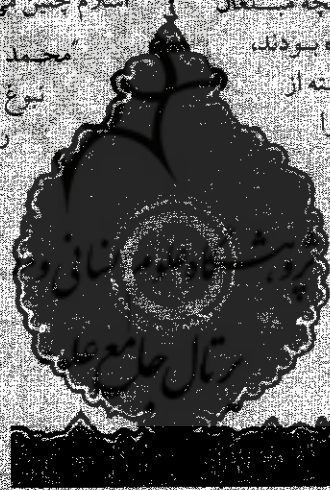
- ۱- نامه هایی در باره مصر
- ۲- نامه هایی در باره یونان
- ۳- داستان دلدادگی انیس الوحود و وردی

۴- دستور زبان عربی عامیانه و ادبی

"ساواری" در افکار و عقاید پیرو ولتر بود و به "دین فطری" اعتقاد داشت و جزو خدانشناسان (deiste) قرآن هیچدم به ششمار می رفت. از این رو در آغاز پیش گفتاری که بر ترجمه خود افزوده است، اخلاقیات قرآن را منطبق بر این فطری می داند و در باره پیامبر اسلام چنین می گوید:

محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به یاری شیخ بن همانند خود اعراب را از بت پرستی رهایی بخشید و برای آنان قوانینی جدید و ایمنی نوین آورد.

"ساواری" از ترجمه های پیشین قرآن نیز یاد می کند و ترجمه "دوری" به "را خسته کننده و ملال آور می باشد و علت آن را هم شیوه کار او می خواند، زیرا "دوری" به نتوانسته از سبک قرآن که بر احساس و هیجان انگیز است پیروی کند. در نتیجه ترجمه اش فاقد فصاحت و شیوایی خاص متون برجسته عربی است و از نقصن دیگر آن می گوید که او آیات مختلف را به هم پیوسته و قرآن را مجموعه ای داستان وار فراهم آورده است، شیوه ای که "ساواری" سخت به آن اعتراض می کند. وی خود گوید که تعالیم قرآن را با سارخایت اجاز و فصاحت عبارات عربی به فرانسه برگرداند، چندان که هر جا متن اصلی مهم و رمز آمیز بوده، او هم این اسام



نیمه اول قرن هفدهم دوره
اوج گیری احساسات مذهبی
کاتولیک ها بود. بازرسان سازمان
تفتیش عقاید مذهب، مسلمانان و
یهودیان را به اتهام کفر، و گاه
همکیشان خود را به اتهام الحاد
در تلای آتش می سوزاندند و
خاکسترشان را بر باد می دادند.
لذا اگر "دوری" به هم نمی خواست
به تعصبات مذهبی دامن زند،
ناگزیر بود به محافظه کاری های
تن دهد

را در متن فرانسه رعایت کرده و در پی تفسیر و توجیه بر نیامده است. البته برای درک بهتر مطالب، هر جا لازم دانسته، در حاشیه توضیحی بر متن افزوده است. بنا بر این همه، اعتراف می‌کند که اگر بر اثر اقامتی طولانی در مصر این امکان را نیافته بود که به وسیله خود مسلمانان با مبانی اسلام و مفاهیم قرآن آشنا شود، هرگز برای آن را نداشت که به ترجمه متنی چنین دشوار و شیوا دست پیدا کند. «ساواری» بسر خلاف غربیانی که از اسلام دین وحشتناک ساخته بودند، به دور از تعصبات مسلمانان کوشید پیامبر اسلام را چنان که در واقع بوده است، بنمایاند. بدین منظور در مقدمه‌ای مفصل به شرح زندگی آن حضرت، بر اساس «منابع معتبر» می‌پردازد.

علاوه بر منابع اسلامی، باید ترجمه لاتینی «ماراچی» و مقدمه مفصل آن را نیز افزود که در واقع مآخذ اصلی او به شمار می‌رود. هر چند ساواری بیشتر اوقات از او با انتقاد یاد می‌کند، زیرا «این کشیش دانشمند، چهل سال از عمر خود را صرف ترجمه و رد قرآن کرد و عاقبت نتوانست ترجمه‌ای روان و شیوا ارائه دهد».

«ساواری» علاوه بر منابع و تفسیرهای معتبر آن روز از مسلمانان نیز کمک می‌گرفت و بنا توجه به آنچه گفته شد، می‌توان به کیفیت ترجمه ساواری بهتر پی برد. ترجمه او روان و شیوا است و بیشتر نباید آن را ترجمه معانی قرآن نامید و نسبت به ترجمه‌های پیشین قوی است. البته از فردی که پیرو ولتر و مکتب عقل گرایی دکارت است نباید انتظار یک مسلمان عاشق اسلام و قرآن را داشت اما از امتیازات او همین بس که وی خود را از اوهام قرون وسطایی رها کرده و داوری آزادانه در باره اسلام، در حد معلومات و اطلاعات مردم آن روزگار کرده است.

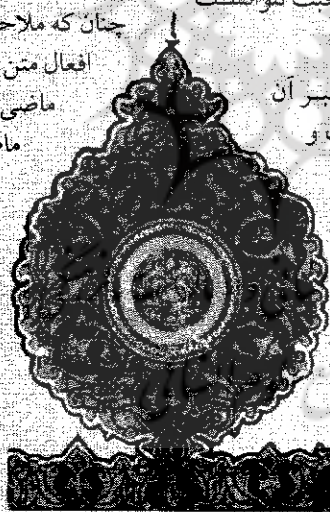
معایب ترجمه «ساواری» همانند بسیاری دیگر از مترجمان فرانسوی قرآن، برگرداندن زمان افعال عربی به زبان فرانسه است. به عنوان مثال در زبان فرانسه برگرداندن وجه التزامی در چهار زمان مستمسل: مضارع، ماضی ساده، ماضی استمراری و ماضی مقدم

صرف می‌شود و وجوه تمایز آن باید در متن ادبی رعایت شود. همچنین است وجه شرطی که دارای مضارع، ماضی اول و ماضی دوم است. بنا بر این برگرداندن معهود زمانهای زبان عربی به زبان فرانسه کار دشواری است. این دشواری زمانی محسوس تر می‌شود که مثلا ماضی ساده در مقام دعا و نفرین و یا برای بیان فعلی که وقوع آن در آینده حتمی است، به کار می‌رود. مانند سوره «المسد» که «ساواری» نیز به پیروی از «دوری» به همان اشتباه را مرتکب شده و آن را اینگونه ترجمه می‌کند:

- ۱- قدرت ابولهب به سستی گرایید و او نابود شد.
- ۲- ثروت بی پایانش او را به چه کار آمد؟
- ۳- به لهب دوزخ گرفتار خواهد شد.
- ۴- همسرش به او خواهد پیوست، در حالی که هیزم بر دوش می‌کشد.
- ۵- و طنابی از لیب خرما بر گردن دارد.

چنان که ملاحظه می‌شود، در ترجمه فرانسه، زمان افعال متن عربی به کلی در هم ریخته و فعل ماضی «نبت» که در مقام نفرین به کار رفته، ماضی ساده اخباری فرض و به همان صورت ترجمه شده است.

آشفتنگی در ترجمه و اشتباه در درک زمان افعال متن عربی در ترجمه بسیاری از آیات دیگر نیز به چشم می‌خورد. ایراد دیگری که به او وارد است عدم رعایت یکسانی در ترجمه کلمات و عبارات مشابه یا معانی مشابه است. به عنوان مثال کلمه خلیفه «الله» را گاهی Dieu و گاهی Le Seigneur و Le Tres-Puissant و Le Haut ترجمه کرده است. ساواری همچنین وقتی که برای یافتن معادل برای برخی از کلمات عربی دچار مشکل می‌شده، به لفاظی پرداخته است. چنان که کلمه «انفاق» را به (در آغوش ناداران سرازیر کردن) Verser «غیب» را به (حقیق متعالی) Verites sublimes ترجمه کرده است. اما امتیاز ترجمه «ساواری» در



هرگاه جو حاکم بر جامعه فرانسه و روحیه مذهبی مردم آن دوره و تهدید و فشار کشیشان فرانسوی جهت به انحصار در آوردن مسائل مذهبی و ممانعت از آگاهی مردم در مورد اصول ادیان دیگر، را در نظر بگیریم آن گاه به اهمیت کاری را که «دوری» به برای نخستین بار انجام داده است بیشتر پی خواهیم برد.

به غیر از مدرسه زبانهای شرقی، انجمن آسیایی فرانسه نیز در سال ۱۸۲۲م تأسیس شد و از سال ۱۸۲۳م کوشش همه جانبه خود را در کار تشریح شناسایی آغاز کرد. پژوهشگران و نویسندگان را گرد هم جمع کرد و در روزنامه آسیایی "نتیجه مطالعات اسلامی و ترجمه آثار برجسته ادبیات عرب و نقد و بررسی آنها را به طور مرتب منتشر می کرد. چند سائل ادبی هم دایر شد که در آنها در باره ادبیات عرب و شرقی گفت و گومی کردند. سائل "کووی به" (Cuvier)، و سائل "کلارک" (Clark) از معروفترین آنها بودند.

به دنبال پیدایش این نهضت، برخی از خاورشناسان که اغلب چندین زبان شرقی می دانستند به ترجمه قرآن روی آوردند. "رنو" (Reinaud) و "گارسن دو تاسی" (Garcin de Tassy) قسمتهایی از قرآن را ترجمه کردند. اما هیچ یک از آنها موفقیتی به دست نیاورد. تا آن که در سال ۱۸۴۰م ترجمه "کازیمیرسکی" منتشر شد.

الین دو کازیمیرسکی بیرشتاین، بیستم نوامبر سال ۱۸۰۸م در "کارشو" شهرکی در لهستان به دنیا آمد. سپس به فرانسه مهاجرت کرد و در مدرسه زبانهای شرقی به تحصیل پرداخت و به فارسی و عربی تسلط کامل یافت. در سال ۱۸۳۹م. به عنوان وابسته فرهنگی همراه کنت دو سرسه، نخستین وزیر مختار فرانسه به ایران آمد و با ادبیات ایرانی از نزدیک آشنا شد. او دیوان مشرجهری داستان انیس و الجیس (برگرفته از هزاره یک شب) را ترجمه کرد و سه فرهنگ دو زبانه فرانسه به لهستانی، فرانسه به فارسی و فرانسه به عربی را نیز نوشت که سومین آن هنوز ارزش خود را حفظ کرده است.

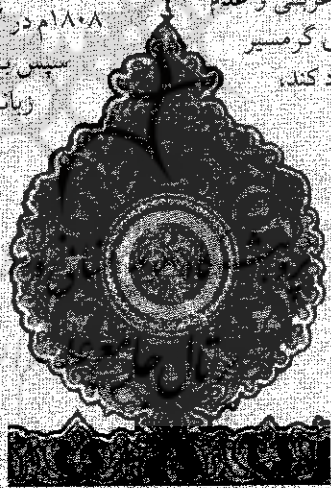
با چنین سابقه و بضاعتی نبود که کازیمیرسکی یکی از روان ترسین و شیواترین ترجمه های فرانسوی قرآن را پدید آورد. او چندان به زیبایی و روانی سبک خود اهمیت می داد که نمی توانست همیشه نسبت به متن قرآن وفادار بنماند. ولی بسایر توجه داشت که وی مسیحی بود و قرآن را

موضع گیری های او در برابر ترجمه های ضعیف و گاه مغرضانه پیشین است. چنانکه در موارد متعدد به نقد ترجمه "ماراچی" پرداخته است. شیوه ماراچی در ترجمه قرآن به این شکل بود که پس از ترجمه هر سوره، بسا استناد به برخی از آیات همان سوره در تکذیب قرآن و پیامبر اسلام می کوشید. در چنین مواردی است که ساواری ضعف استدلالهای او را آشکار می سازد. به عنوان مثال "ماراچی" در رد آیه ۴۴ از سوره هود از قول مسلمانان نقل می کند که کشتی نوح ۱۲۰۰ ذراع ارتفاع و ۶۰۰ ذراع عرض داشته است. سپس فریاد بر می آورد که بینید مسلمانان چه اندازه بی خردند. چگونه یک کشتی می تواند ۱۲۰۰ ذراع ارتفاع و ۶۰۰ ذراع عرض داشته باشد؟ ساواری، نخست عین عبارات مورد استناد او را نقل می کند و سپس به ماراچی حمله می برد که طول را با ارتفاع اشتباه کرده و بر اساس اشتباه خود به تکذیب و تمسخر مسلمانان پرداخته و حال آن که این خود اوست که باید مورد تکذیب و تمسخر قرار گیرد. "سپس "ساواری" اعلام می دارد که ضعف زبان عربی و عدم آشنایی "ماراچی" به زندگی در سرزمینهای گرمسیر باعث شده که او اشکالاتی را به قرآن وارد کند. که بسیار مضحک است.

موفقیت ترجمه "ساواری" به حدی بود که ترجمه "دوری" به "را یکسره" به فراموشی سپرد و نقدهایی را بر ترجمه "ماراچی" موجب شد و تا سال ۱۸۴۰م، در مدت ۵۷ سال هشت مرتبه به چاپ رسید.

سومین ترجمه قرآن مجید به زبان فرانسه

اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم موسسات متعددی در فرانسه دایر شد که در آنها به مطالعه و تحقیق در باره فرهنگ و زبان کشورهای اسلامی پرداختند. یکی از آنها مدرسه زبانهای شرقی بود که در سال ۱۷۹۵م کار خود را آغاز کرد و بسیاری از کسانی که بعدها به ترجمه قرآن پرداختند از دانش آموزان همین مدرسه بودند.



ترجمه دوری به "اگر چه ضعف فراوان داشت و گاه تحت تأثیر پیش داوریهای آن دوره قرار می گرفت اما در شناساندن متن اصلی قرآن به معاصران خود بسیار موثر بود و تا سال ۱۷۳۴م، پیش از انتشار ترجمه انگلیسی جرج سیل یکی از مأخذ معتبر و مستند اروپایی درباره اسلام و مسلمانان به شمار می رفت.

نها سه عنوان کتابی فصیح و شگوا ترجمه می کرد و طبعی بود که به جزئیات مورد علاقه یک متخصص مسلمان عنایت نکند و همه کوشش خود را در ویسای متن ترجمه به کار برد همین ویسای در سنگ و چیره دستی در نویسندگی است که برخی از مترجمان بعدی را به تقلید و اقتباس از او برانگیخته و نیز موجب شده است که ترجمه اش از ۱۸۴۰م تا ۱۹۹۶م مجموعاً ۴۱ بسیار تجدید چاپ شود و این موفقیت همچنان ادامه دارد.

یکی از نکاتی را که می توان در ترجمه کاریمیرسکی و در ترجمه برخی دیگر از خاورشناسان مورد انتقاد قرار داد برگرداندن کلمه رسول به apotre است و این شامخی است آشکارا که شاید از اعتقادات مذهبی او سرچشمه گرفته باشد. در فرهنگهای معتبر مانند Robert Littre کلمه aporte به معنی "حواری" آمده است نه رسول خدا. Littre چنین می گوید: "apote نامی است که بر دوازده تن از پیروان عیسی مسیح (ع) که از سوری او مأمور تبلیغ انجیل شده بودند نهاده شده است".

همین عبارت با اندکی اختلاف در فرهنگهای دیگر نیز آمده است. اما بعدها، مخصوصاً توسط مترجمان مسلمان قرآن که عمق فرهنگ اسلامی را بهتر درک می کردند معادلهایی مانند messenger یا envoye به کار بردند. شاید اختلاف از آنجا ناشی می شد که مسیحیان عیسی بن مریم (علیه السلام) را پسر خدا می دانستند و طبعی بود که از دیدگاه آنان حواریان عیسی فرستادگان او باشند. اما چنین تعبیری در مورد پیامبر اسلام با روح تعالیم اسلامی مغایر است.

آغاز نقش مسلمانان در ترجمه قرآن به فرانسه

تا این تاریخ، مسلمانان نقشی در ترجمه قرآن به فرانسه نداشته اند. این فرانسویان بودند که گاه با اهداف شناخت بهتر اسلام و گاه با اهداف استعماری قرآن را به فرانسه ترجمه می کردند.

بیست و یک سال پس از ترجمه کاریمیرسکی یعنی در سال ۱۸۶۱م ترجمه جدیدی از قرآن در لیژنس پایتخت پرتغال منتشر شد که نامهای "فاطمه درید" بر آن نقش بسته بود. ترکیبی از ترجمه و اخبار و احادیث بنا هم بود و از آنجا که اخبار موق و ناموق را چنان با مضامین قرآنی در آمیخته بود که بازشناسی آنها دشوار بود لذا اعتبار لازم را پیدا نکرد و مورد استقبال نیز واقع نشد. با این وجود ترجمه کاریمیرسکی تنها ترجمه موق باقی ماند.

در سال ۱۹۲۹م ادوارد موتیترئیس دانشکده الهیات دانشگاه ژنو، ترجمه نویی از قرآن مجید در ژنو و پاریس منتشر کرد که از لحاظ الطباق بنا متن عربی سیر ترجمه های پیشین برتری داشت و نخستین کوشش برای ترجمه دقیق قرآن بود. ترجمه "ادوارد موتیتر" از لحاظ پیروی از متن عربی قرآن گامی به پیش بود ولی متأثر از اعتقادات مذهبی او بود و چون فصاحت و شیوه بیان آن در سطح ترجمه "کاریمیرسکی" نبود توانست جانشین آن شود.

از اوایل قرن بیستم، مسلمانانی که زبان فرانسه را خوب می دانستند و به قرآن و عقاید اسلامی نیز مسلط بودند وارد میدان شدند ولیکن این ترجمه ها اگر از لحاظ شیوایی و روانی بیان، هم سطح ترجمه های فرانسویان نبود ولیکن از لحاظ درک محتوای قرآن سیر آنها فضیلت داشت.

احمد لایتمش و بن داوود که از اهالی الجزایر بودند ترجمه خود را در سال ۱۹۳۱م در شهر اوران (وهران) به چاپ رساندند.

در سال ۱۹۴۶م احمد تیجانی با همکاری اکتاویل ترجمه جدیدی ارائه داد. احمد تیجانی وابسته به مکتب تیجانیه بود که در غرب آفریقا رواج بسیار دارد که گونه ای از تصوف است. اعتقاد رایج به رمزآمیز بودن اعداد و وجود حواری سراسری هر یک از آنها است. همکاری نیز متخصص در فقه مالکی رایج در مراکش است. آنها کتابهای متعددی در این زمینه نوشتند.



در طول مدت چهار قرن که از ترجمه قرآن به زبان فرانسه می گذرد، پیشرفت بسیار حاصل شده است و میان ترجمه های دوره و کاریمیرسکی از یک سو، و ترجمه های انجام شده به وسیله خود مسلمانان و کارهای خاورشناسان از سوی دیگر اختلاف بسیار است.

ترجمه مشترک آنها که شاید هفتمین ترجمه قرآن بوده، کار ترجمه قرآن را به تدریج برای آیندگان آسان تر می کرد و مترجمان جدید می توانستند از حاصل رحمت پیشین استفاده کنند.

در سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۵۱ ترجمه‌ای به زبان فرانسه منتشر شد که خود مکتبی در این زمینه بوجود آورد و آن ترجمه "رژیس بلاشر" است. استاد عربی دانشگاه سترین بود که برخی او را یکی از بزرگترین اسلام شناسان فرانسوی در قرن بیستم می دانند. ترجمه بلاشر از قرآن دارای نوآوریهای است. او سوره‌های قرآن را به ترتیب نزول آیات تنظیم و ترجمه کرد و به مسائل زبان شناختی و فقه اللغة توجه خاص کرد.

"امور غدیره" ظاهراً به عنوان دانشیار در دانشگاه لیون عربی تدیس می کرد، در سال ۱۹۵۶ به اقتباس از بلاشر، ترجمه‌ای دیگر از قرآن ارائه کرد.

در سال ۱۹۵۹، "محمد حمیدالله" از مسلمانان هندی الاصل مقیم پاریس ترجمه جدیدی از قرآن بر اساس تفسیرهای معتبر اسلامی و نه تحقیقات خاورشناسان، ارائه کرد و این ترجمه مورد استقبال مسلمانان قرار گرفت و نقص بزرگ آن ضعف در زبان فرانسه بود.

در سال ۱۹۶۷ خانم "دوینز ماسون" به پیروی از بلاشر ولیکن به سبک روان تر و شیواتر از او ترجمه‌ای از قرآن منتشر کرد که سه بار تجدید چاپ شد و در سال ۱۹۸۰ تأیید دانشگاه الازهر را نیز بدست آورد.

چند سال پس از انتشار ترجمه حمیدالله و شاید همزمان بیست ترجمه خانم "ماسون"، مسلمان دیگری به نام احمد بودیب که شاعر و نویسنده الجزایری بود قرآن را باحواشی و توضیحات بسیار به فرانسه برگرداند. مقدمه مفصلی نیز که آکنده از روایات عجیب و غریب و با زبان فرانسه عجیب تر رایج در قبایل کابیل که دارای غلطهای املایی و اثنایی بسیار است، به آن افزوده است. در سال ۱۹۷۲ "حمزه بویکر" - رئیس امام جماعت مسجد مسلمانان در

پاریس - ترجمه‌ای ارائه کرد که از روایات غیر موثق و مخدوش احتراز کرده و توضیحات و حواشی آن سودمند است و شیوه نگارش آن روان و شیرین است هر چند که در چاپ اول غلطهای املایی فراوان داشته است.

شاعر معاصر فرانسوی "ژان کروزان" در سال ۱۹۷۲ و "نورالدین بسن محمود" "بنا اقتباس آشکارا از "کازیمیرسکی" و در سال ۱۹۷۸ آقای "صادق مازیغ" استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان تونس قرآن را به فرانسه درآوردند.

از سال ۱۹۸۵ به بعد ترجمه قرآن سرعت بیشتری به خود گرفت و این سرعت همچنان ادامه دارد. شاید انقلاب اسلامی ایران که آوازش در سراسر جهان پیچید، در این امر بی تأثیر نباشد و غربیان بیشتر مشتاق شدند تا به دلایل توانایی اسلام در بسیج ثودها واقف شوند. ترجمه‌هایی که در سالهای اخیر انتشار یافت عبارتند از:

Al-Qur-an ترجمه صلاح الدین کشسریده، تونس ۱۹۸۲

Le Saint-Coran ترجمه مترجمان قادیانی، (فرقه احمدیه) لندن ۱۹۸۵

Le Saint-Coran ترجمه حمیدالله

ویرایش عربستان، مدینه منوره، ۱۹۹۰
Le Coran ترجمه رنه خوام
Rene Khawam پاریس ۱۹۹۰

Le Coran ترجمه ژاک برگر
Jacques Berque پاریس، ۱۹۹۱

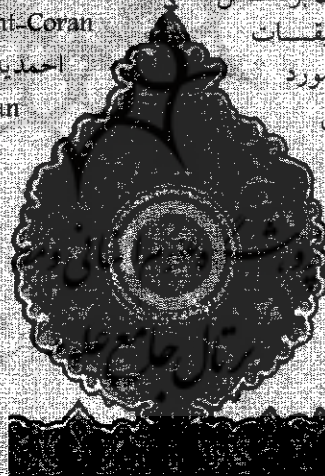
Le Coran L Appel ترجمه آندره شورفسکی
Andre Choraqui پاریس، ۱۹۹۱

Le Coran ترجمه ابوالقاسم فخری، قم، ۱۹۹۹

Le Saint Qur-an ترجمه
Boureima عبیده داود
Bbdou Daouda ریاض، ۱۹۹۹

نتیجه گیری

چنان که ملاحظه شد قرآن مجید از سال ۱۶۴۷، که نخستین چاپ ترجمه دوری به منتشر شد، تا سال ۱۹۹۹



"ساواری" علاوه بر منابع و تفسیرهای معتبر آن روز از مسلمانان نیز کمک می گرفت و با توجه به آنچه گفته شد، می توان به کیفیت ترجمه ساواری بهتر پی برد. ترجمه او روان و شیوا است و بیشتر بایدها را ترجمه معانی قرآن نامید و نسبت به ترجمه‌های پیشین قوی است.

بیست و چهار بار به زبان فرانسه در آمده است. هم اکنون نیز، چه در فرانسه و چه در خارج از آن در دست تدوین است. و این همه غیر از نسخه‌های خطی و مضبوط در کتابخانه‌ها و نیز تعداد بی شماری ترجمه‌های ناقص و جزئی است که ما صحبتی از آنها نکردیم. در طول مدت چهار قرن که از ترجمه قرآن به زبان فرانسه می‌گذرد، پیشرفت بسیار حاصل شده است و میان ترجمه‌های دوره و گازیمرسکی از یک سو، و ترجمه‌های انجام شده به وسیله خود مسلمانان و کارهای خاورشناسان از سوی دیگر اختلاف بسیار است. باشد که مترجمان آینده از ترجمه‌های پیشین بهره‌گیری کنند و ترجمه‌هایی بی نقص‌تر و کامل‌تر ارائه دهند.

راهکاری برای ترجمه قرآن، ترجمه کاملاً وفادار حتی برای بعضی از شاهکارهای ادبی را هم غیر ممکن می‌دانند چرا که حتی اگر مترجم از هر لحاظ از خالق اثر کمتر نباشد اما توانایی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی زبان مبداء و زبان مقصد به مترجم اجازه نخواهد داد که بتواند از هر لحاظ به متن اصلی وفادار بماند. حال که قسرآن سراسر اعجاز و اسرار است و هر چه که زمان به پیش می‌رود، راز دیگری از آن برای بشر کشف می‌شود و ترجمه برابر اصل برای قرآن یعنی آوردن قرآنی دیگر که خداوند در آیه ۸۸ سوره اسراء آن را غیر ممکن می‌داند:

تگو که اگر انس و جن، به خاطر آوردن فسرآنی همانند این، گرد هم جمع شوند، و هر چند از یکدیگر پشتیبانی کنند (نمی‌توانند) مانند آن را بیاورند.

درست است که هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند حق مطلب کلام خالق را ادا کند زیرا که سستی نهایت در نهایت نمی‌گنجد و ذهن محدود ما به عمق حقایق و ظرافت‌های وحی الهی راه نمی‌یابد ولی تلاش مترجم قسرآن پیمودن راه کمال است نه رسیدن به آن، چه کمال مطلق ویژه خداست و بس.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

اما حقیقتی را که باید به آن اعتراف کرد، این است که ترجمه قرآن که در مورد ویژگی‌ها، ظرافت‌ها و اعجاز و اسرار آن به تفصیل در مقالات دیگر

این شماره نشریه از آن‌ها صحبت شده است، کار یک فرد نیست بلکه باید، ترجمه کلام خدا را کمتر از فرهنگها و دایرة المعارف‌ها ندانیم که بصورت گروه‌های تخصصی انجام می‌شود و از طرف دیگر یک موسسه و نهاد متولی آن است که خود را ملزم می‌داند در غیاب یا حضور مولفان گذشته هر چاپ جدید را نسبت به چاپ قبلی کامل‌تر و بی نقص‌تر منتشر کند. با این مسیکه، با گذشت زمان راه کامل‌تر می‌شود. به لطف چنین شیوه‌ای بسیاری از همین موسسات اعتباری جهانی و جاودانه پیدا کرده‌اند لذا برای ترجمه کلام وحی تخصص‌هایی لازم است که در یک شخص به حد نهایی نمی‌گنجد. مترجم قرآن ناچار است به غیر از رعایت دقیق معنا و نکته‌های ادبی به آهنگ و احساس هم وفادار باشد به گونه‌ای که مخاطب احساس کند متن به زبان اصلی است و خداوند به طور مستقیم با او سخن می‌گوید. برای یک مترجم ادعای اینکه تنها در زبان عربی به صرف و نحو، بلاغت، تفسیر، اشتقاق، فقه اللغة کاملاً آشنا است بسیار دشوار است چه رسد به داشتن همین مهارت‌ها در زبان مقصد و همچنین تسلط به زبان شناسی گرایش ترجمه، روان شناسی گرایش زبان، تاریخ ادیان، موسیقی، ریاضی و غیره.

پس چه باید کرد؟ آیا ترجمه قرآن را نباید رها کرد؟ آیا باید مترجمان را تنها گذاشت تا هر کس در گوشه‌ای با توجه به بضاعت خود تلاش کند؟ بهترین راهکار ممکن برای انجام کاری به این مهمی و غیر قابل مقایسه تنها کار گروهی است. حداقل متشکل از افرادی که در عین حال همگی با معارف اسلامی و قرآنی آشنا هستند دارای تخصص‌های یاد شده بالا باشند.

بدون تردید، مشکل فرهنگی جامعه امروز ما و غرب با

حفظ کردن آیات قرآن حل نمی‌شود (هر چند که منکر تاثیر مثبت و آرام بخش صوت و آهنگ آن نیستیم) بلکه برای گسترش علوم قرآنی و جذب جوانان امروز، علقه مند کردن عموم افراد جامعه و مخصوصاً جامعه فرانسوی که در قاره اروپا آفریقایی و آمریکایی پراکنده‌اند و امنیت فرهنگی همه جوامع می‌تواند با برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از استادان متخصص به کارهای مهمی همچون ترجمه قرآن به

ترجمه پل ارتباطی دو فرهنگ و دوزبان مختلف و متفاوت است. این پل را نباید به این دلیل که شاید دشمنی از آن عبور کند، ویران کرد بلکه باید آن را استحکام بخشید. تاثیر ترجمه خوب به اندازه تالیف و نگارش خوب است.

l'arabe, accompagne de notes, precede k'un abrege de ls vie de Mahomet, Paris, ۱۷۸۳
Ibid p.VI-۱۹
Lettres sur l'Egypt, ۱۷۸۸-۲۰
Lettres sur la Grece, ۱۷۸۸-۲۱
Les amours d'Anas-Etoujoud et Ouradi, ۱۷۸۹-۲۲
Grammaire de la langue arabe vulgaire et litteraire, ۱۸۱۳-۲۳
Claude-Etienne Savary, Le Koran traduit de l'arabe, accompagne de notes, precede k'un abrege de ls vie de Mahomet, Paris, ۱۷۸۳ p.V&VI
Ludovico Maracci, Alcoranus, textus universus cui praermissus est Prodromus ad refutationem Alcorani, padoue, ۱۶۸۹, ۲ vol. fol
۲۶- حدیدی، جواد، رهروان حقیقت، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۰ ص ۷۱
La puissance d'Abu-lahab s'est evanouie. Il a peri lui - meme
«A quoi lui ont servi ses immenses richesses
Il descendra dans les brasiers de l'enfer
Son epouse de suivra portent du bois
A son cou est attachee une corde d'ecorce de palmir
۲۸- حدیدی، جواد، رهروان حقیقت، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۰ ص ۷۲
۲۹- حدیدی، جواد، ترجمان وحی، سال دوم شماره ۲ ص ۴۶
Journal Asiatique-۳۰
Albin de Kazimirski Biberstein-۳۱
Apotre, nom donne aux douze disciples que Jesus-Christ chargea de precher l'Evangile
Fatma-Zaida, L'Alcoran, Lisbonne, ۱۸۶۱-۳۲
Edouard Montef, Le Coran, traduction nouvelle, Paris, ۱۹۲۸-۳۳
Ahmed Laimeche et B Ben Davoud, Le Coran lecture par excellence, Oran, ۱۹۳۱-۳۴
Octave Peste et Ahmed Tidjani, Le Coran traduit de l'arabe, ۱۹۲۶-۳۵
Regis Blachere, Le Coran, traduction nouvelle, Maisonneuve, ۱۹۲۹-۱۹۵۱-۳۶
Denise Masson, Essai d'interpretation du Coran inimitable, ۱۹۶۷-۳۷
Ahmed Boudib, Le Coran glorieux, Paris (۱۹۶۷) تاریخ انتشار آن با توجه به مطالب وی در مقدمه کتاب حدیسی زده شده است
Si Hamza Boubakeur, Le Coran, Paris, ۱۹۷۲-۳۸
Jean Grosjean, Le Coran, Paris, ۱۹۷۳-۳۹
Noureddin ben Mahmoud, Le Coran, Rabat et Monaco, ۱۹۷۶-۴۰
Sadok Mazigh, Le Coran, Tunis, ۱۹۷۸-۴۱

زبان‌های خارجی پرداخت تا به اهداف عالی خود که همانا رساندن کلام خدا به گوش جهانیان و سیراب کردن جوان امروز از علوم و معارف قرآنی است، دست یابیم. جوان امروز در هر کجای دنیا می‌تواند با قرائت ترجمه‌ای خوب از قرآن خود را در برابر هر گونه انحراف مصون و فضای جامعه بشری را سالم نگه دارد. و اگر جامعه بشری پیامدهای استشمام عطر قرآن را عملاً احساس کند، این احساس روحانی نه تنها او را سعادتمند می‌کند بلکه نسل‌های آینده را نیز رستگار خواهد ساخت.

پاورقی‌ها:

- ۱- لازم می‌دانم قبل از هر چیز بروح بلند و پیر سرکت استناد، پژوهشگر و دانشمند ارجمند، مرحوم دکتر جواد حدیدی درود بفرستم و عرض کنم که بخش نقد ترجمه‌های قرآن گردآوری و تنظیم یادداشت‌های درس تاریخچه ترجمه ایشان در دانشگاه علامه طباطبایی و مقالات پراکنده ایشان است که در یادداشتها و منابع به آنها اشاره خواهد شد. روحش شاد و پادش همیشه زنده باد.
- ۲- مدیر داخلی اندیشه صادق
- ۳- ربیع نتاج، سید علی اکبر، الاذه علمی بر جواز ترجمه قرآن کریم، نشریه زبان و علوم قرآن، شماره ۳ و ۴، زمستان ۱۳۷۹.
- ۴- Andre du Ryer
- ۵- Pierre de Chuny
- ۶- Pierre de Toledé
- ۷- Robert de Ketton
- ۸- حدیدی، جواد، ترجمان وحی، سال اول شماره ۱ ص ۳۹
- ۹- y, Deux traductions de Marie- Therese d'Alvern Latines de Coran au Moyen-Age, Archives d'histoire doctrinale et litteraire de Moyen-Age ۱۳۱-۱۳۲, ۱۹۲۷/۱۹۲۸, p.۶۹
- ۱۰- Andrea Arrivabene
- ۱۱- Schwiieger
- ۱۲- Encyclopedie de l'Islam, vol ۵ p.۲۲۲
- ۱۳- Andre du Ryer, L'Alcoran de Mahomet, translate d'arabe en francais, ۱۶۲۷
- ۱۴- Marsigny
- ۱۵- Gulistan ou Empire des Roses, Traite des Moeurs de Roys, Compose par Musldini Saadi prince de poetes turcs et persans, traduit en francais par le sieur Andre du Ryer, Paris, ۱۶۳۲
- ۱۶- حدیدی، جواد، اسلام از نظر وفتی، ج ۵، ۱۳۷۲، صص ۱۶۲-۱۶۳
- ۱۷- Sale, George, The Koran fo Mohammad, London, ۱۷۳۴
- ۱۸- Claude-Etienne Savary, Le Koran traduit de